

ارزیابی شاخص‌های جمعیت و نقش آن در مدیریت حوزه‌های آبخیز مطالعه موردی حوزه آبخیز مه‌آباد

ابراهیم بروشکه^۱، رضا سکوتی اسکویی^۲

۱- مربی پژوهشی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان غربی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ارومیه، ایران.
(e.brooshkeh@gmail.com)

۲- دانشیار پژوهشی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان غربی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ارومیه، ایران.
(rezasokuti@gmail.com)

چکیده

جمعیت ساکن در حوزه آبخیز و ویژگی‌های جمعیتی شامل تعداد جمعیت، ویژگی‌های سنی جمعیت، درصد سواد و توزیع آن، نقش عمده‌ای در ایجاد توسعه پایدار و تعادل زیست محیطی دارد، از طرف دیگر توزیع نامناسب جمعیت، ترکیب سنی نامتعارف و سطح سواد پایین تعادل‌های زیست محیطی را تحت شعاع قرار می‌دهد. در این مقاله سعی بر این است تا جمعیت ساکن در حوزه آبخیز مه‌آباد در فاصله بین دو سرشماری ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بررسی شده و ویژگی‌های جمعیتی آن مورد تحلیل قرار گیرد. بررسی‌های نشان می‌دهد جمعیت حوزه آبخیز مه‌آباد با درصد بالایی از جمعیت جوان، ترکیب سنی نامناسب و معضل بی‌سوادی توأم است. این ویژگی‌های جمعیتی با ایجاد شرایط توسعه پایدار آبخیز در تناقض است. از طرف دیگر مهاجرت نیروی جوان عمدتاً بی‌سواد یا کم‌سواد، پدیده حاشیه‌نشینی را در شهر مه‌آباد گسترش داده و برای توسعه متعادل شهری نیز مشکل آفرین خواهد بود. عدم توجه به پارامترهای اقتصادی و اجتماعی بویژه جمعیت تبعات فراوانی را به دنبال دارد و تعادل اکوسیستم و پایداری عرصه‌های منابع طبیعی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سیل، خشکسالی، مدیریت آبخیز، اقتصاد-اجتماعی، (استان آذربایجان غربی)

مقدمه:

الگوی توزیع جمعیت در بستر جغرافیایی و محیطی خویش اثرات متقابل بر یکدیگر دارند. اثراتی که اگر در روال معقول و منطقی خویش قرار نگیرند جوامع بشری و محیط زیست را با مشکلات و مخاطرات روبرو خواهد ساخت. شاید اغراق نباشد اگر ادعا شود، به وجود آمدن بیشتر مشکلات زیست محیطی، نتیجه فعالیت نامعقول گروه‌های انسانی بر فضای جغرافیایی و محیط پیرامونی خود است. یکی از نتایج توزیع ناموزن جمعیت، افزایش روند تخریب جنگل‌ها، مراتع، فرسایش خاک و پدیده بیابان‌زایی است. در ایران به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عدم توزیع عادلانه ثروت و عوامل ایجاد اشتغال و درآمد، توزیع جمعیت متناسب با پتانسیل‌های محیط طبیعی پراکنش نیافته است. نبود فرصت اشتغال و بروز فقر از هم پاشیدگی نظام اقتصادی و اجتماعی روستائیان را به دنبال دارد و روند مهاجرت روستائیان به شهرها را تشدید می‌کند. در این راستا، توجه به روند تغییر و تحولات جمعیتی و توزیع نیروی انسانی در حوزه‌های آبخیز و منطقی کردن این تحولات در راستای پتانسیل‌های موجود ضرورت تام دارد.

جوان ۱۳۶۷، توزیع جمعیت در مناطق مختلف ایران یکسان نبوده و تابعی از عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی است. ترکیب سنی جمعیت اساس برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی به حساب می‌آید و در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی با توجه به نیاز گروه‌های سنی به مسائلی از قبیل تغذیه، آموزش، بهداشت، اشتغال و ... باید پاسخ‌های مناسب داده شود.

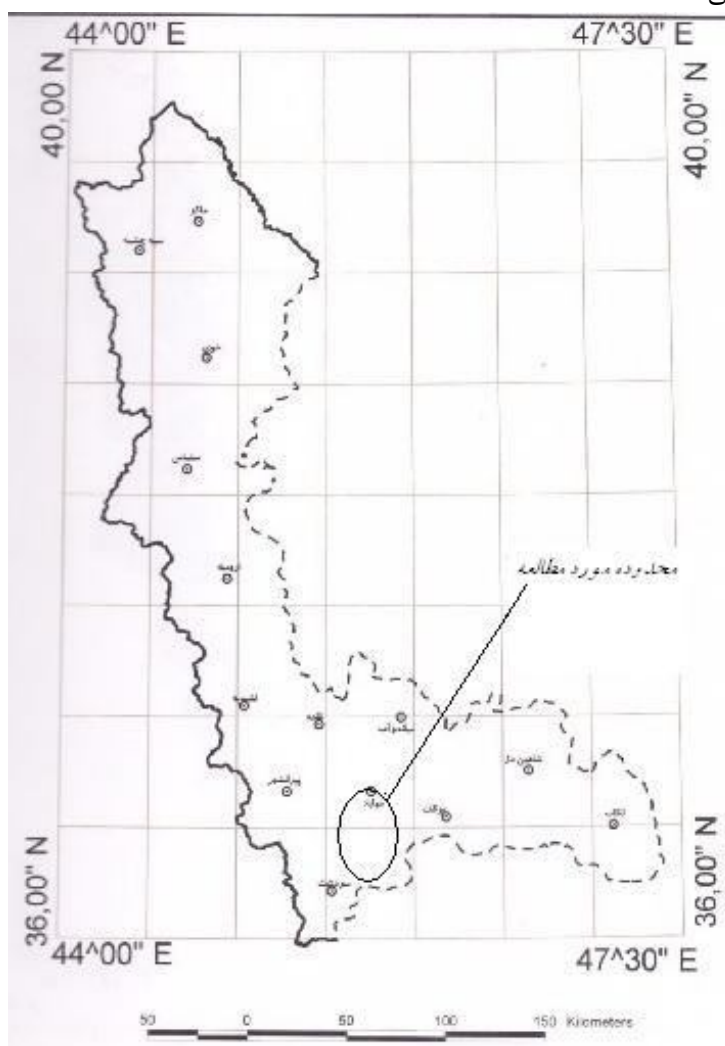
جوان ۱۳۸۰، الگوهای توزیع جمعیت در دنیا در نواحی مختلف جغرافیایی بسیار نابرابر و در بعضی موارد تعجب آور است، از ۶/۱۲۲ میلیارد نفر جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ حدود ۴/۴۸۵ میلیارد نفر آن در کشورهای در حال توسعه (۱/۷۹ درصد) و بقیه آن متعلق به کشورهای توسعه یافته است. از این جمعیت ۱۴/۲ درصد در افریقا، ۸/۹ درصد در امریکای لاتین، ۴/۹ درصد در امریکای شمالی ۲۴/۱ درصد در شرق آسیا، ۴۳/۹ درصد در جنوب آسیا، ۸/۴ درصد در اروپا، ۰/۵ درصد در اقیانوسیه و ۵/۱ درصد در جمهوری‌های سابق شوروی زندگی می‌کنند. به‌طور کلی هر اقدامی که در جهت بهبود وضع اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مکان‌های جمعیتی (روستاها) اجرایی شود در تحول جمعیت و جابجایی‌های آن بی‌تأثیر نخواهد بود.

(Chuluun و Ojima، ۲۰۰۲) تغییرات کاربری به علت رشد جمعیت، پیشرفت فناوری و فرصت‌های اقتصادی صورت گرفته و دخالت انسان به طور مشخصی تعداد زیادی از اکوسیستم‌ها را تغییر داده است. در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ نواحی جنگلی و مرتعی در آسیا ۳۱۳ میلیون هکتار کاهش یافته که بیشترین مقدار کاهش در جهان بوده است. (Derham، ۱۹۹۹) با توجه به افزایش جمعیت، کمبود اراضی زراعی و عدم تکافوی تولید مواد غذایی، رخداد و تشدید فرسایش خاک از جمله چالش‌های مهم در دستیابی به خودکفایی در تامین مواد غذایی در بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه ملل جهان سوم بوده که امروزه بیش از پیش محیط‌های روستایی این کشورها را با تهدید جدی روبرو ساخته است. (ستایش، ۱۳۷۶)، معتقد است منابع طبیعی در اختیار انسان‌ها است، با حفظ منابع پایه می‌توان در جهت تأمین امنیت غذایی، اشتغال قشرهای آسیب‌پذیر و ریشه‌کنی فقر از آن بهره‌برداری و با بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل باید به عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی توجه شود. (طاهرخانی، ۱۳۸۱)، عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی در ایجاد مهاجرت‌های روستایی اهمیت بسیاری دارند. اما شاید مهاجرت برای کسب زندگی بهتر، مهمترین دلیل برای آغاز مهاجرت‌های روستا-شهری است و پیش‌بینی می‌شود که همچنان ادامه داشته باشد. (مه‌دوی، ۱۳۷۳) جمعیت به‌عنوان یکی از عناصر بنیادی در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. بر این اساس آگاهی از چند و چون جمعیت و شناخت ساختار، ابعاد و گستردگی فضایی آن از ابزارهای مهم تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به شمار می‌رود. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰)، ساده‌ترین شکل مطالعه جمعیت کشورها نحوه توزیع جغرافیایی آن در حوزه‌های روستایی و عرصه‌های آبخیز کشور است که در سطح ملی می‌تواند ثبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار دهد. (ازکیا، ۱۳۸۸)، رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی هر سرزمینی متکی به نیروی انسانی و قدرت تولیدی آن است همانگونه که انسان‌ها روح مکان هستند، فضای روستایی و به تبع آن فضای عرصه‌های آبخیز کشور نیز بدون وجود مردم، فضایی بی‌روح و آثار باستانی آن رو به تخریب است. (یاسوری، ۱۳۸۹) روند گذشته‌ی سکونت‌گزینی در ایران حکایت از عدم تعادل شدید بین مناطق مختلف کشور دارد. بر اساس نتایج سرشماری‌های گذشته توزیع جغرافیایی جمعیت در بین استان‌های مختلف و مناطق شهری و روستایی دچار تغییرات اساسی بوده است. در حالی که در سال ۱۳۳۵ بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور در نقاط روستایی سکونت داشتند، امروزه این رقم به حدود ۳۰

درصد تنزل یافته است. مهاجرانی (۱۳۸۷)، چگونگی توزیع مکانی جمعیت، یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت است. جمعیت ایران توزیعی نامتناسب و نامتعادل دارد که ناشی از عوامل متنوع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نسبت شهرنشینی به بیش از دو برابر و تعداد شهرها بیش از پنج برابر شده‌اند. در جمع بندی سوابق تحقیق باید گفت همه صاحب‌نظران و اندیشمندان به الگوی توزیع جمعیت و نیروی انسانی در عرصه‌های آبخیز کشور بعنوان عناصر بنیادی در برنامه های محیط طبیعی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی تأکید ویژه دارند،

معرفی محدوده تحقیق

شهرستان مهاباد در استان آذربایجان غربی و جنوب دریاچه ارومیه قرار دارد. براساس تقسیمات کشوری این شهرستان شامل دویخش خلیفان و مرکزی با پنج دهستان و ۲۰۴ آبادی است و وسعت آن ۲۶۳/۵ کیلومتر مربع است. مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵ و نتایج تحلیلی آن، کل جمعیت منطقه مورد مطالعه ۹۵۹۴ نفر که از این تعداد ۴۹۸۱ مرد و ۴۶۰۵ نفر زنان هستند. از این تعداد ۵۴/۸۷ درصد باسواد و ۴۵/۱۳ درصد از جمعیت منطقه بی‌سواد بوده اند. مردان باسواد ۶۲/۵۶ درصد و زنان با سواد ۳۷/۴۴ درصد جامعه باسوادان را تشکیل می‌دهند. محدوده مورد مطالعه در این تحقیق شامل بخش‌های جنوبی و غربی شهرستان مهاباد است و نقشه ۱، محدوده مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



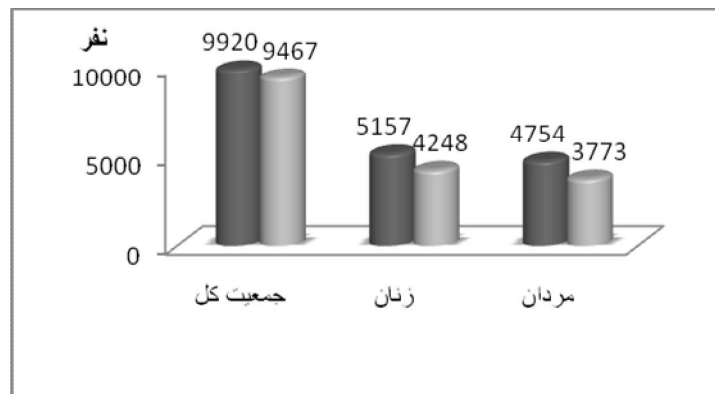
شکل ۱- موقعیت شهرستان مهاباد در استان آذربایجان غربی

روش کار:

در این مقاله سعی بر این است تا پارامتر جمعیت به عنوان عامل اصلی پایداری آبخیز و تأثیر آن بر دوام و ماندگاری حوضه بررسی شود. برای این کار در فاصله دو سر شماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ وضعیت جمعیت را بررسی نموده، شاخص‌های جمعیتی شامل تعداد جمعیت، تراکم جمعیت، ترکیب سنی جمعیت و میزان باسوادی را تحلیل کرده و نقش پارامترهای ذکر شده در تحول حوزه آبخیز و توسعه پایدار یا برعکس عدم تعادل آن، تحلیل شده است.

نتایج:

برای بررسی خصوصیات جمعیتی حوزه آبخیز مورد مطالعه از آمار سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ شهرستان مهاباد استفاده شد. پارامترهای مختلف شامل تعداد جمعیت به تفکیک زنان و مردان در شکل ۲ طبقه‌بندی و ارائه شده است.

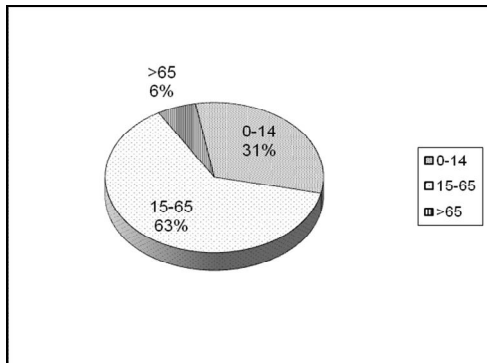


شکل ۲- نمودار مقایسه آمار جمعیت براساس سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

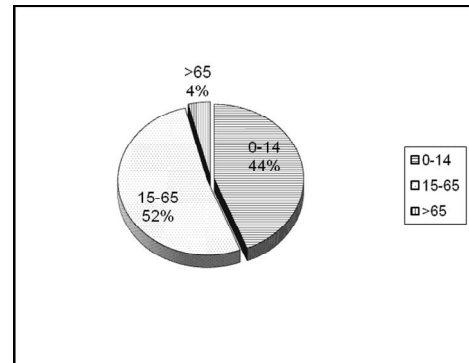
این بررسی مربوط به حوزه آبخیز مهاباد تا محل سد است و شهرستان مهاباد را شامل نمی‌شود. در طول دوره آماری ۱۰ ساله (۱۳۷۵-۱۳۸۵) کل جمعیت منطقه مورد مطالعه از ۹۴۶۷ نفر به ۹۹۲۰ نفر افزایش یافته است. البته نرخ زاد و ولد در منطقه بسیار بیشتر از رقم ذکر شده است ولی به دلیل مهاجرت روستائیان به شهر و مناطق بیرون از منطقه مورد مطالعه، افزایشی قابل ملاحظه در میزان جمعیت در یک دهه گذشته مشاهده نمی‌شود. بررسی آمار نشان می‌دهد که در یک دهه گذشته منطقه مورد مطالعه مهاجر فرست بوده و بخش اعظم نیروی جوان و مستعد کار بالاجبار برای تامین معاش و پیدا کردن شغل، منطقه را ترک نموده اند. سرریز شدن جمعیت جوان به شهرهای دور و نزدیک بی شک تبعات زیادی را برای شهرها (حاشیه نشینی) و برای خود منطقه (خالی شدن منطقه از نیروی کار جوان) به دنبال دارد. در شرایط موجود دامداری شغل غالب آبخیزنشینان است و به دلیل تخریب ناشی از استفاده غیر معقول از عرصه های منابع طبیعی و کاهش ریزش های جوی در یک دهه گذشته، تامین اشتغال برای جوانان جویای کار چندان آسان نیست.

ترکیب سنی جمعیت:

ساختار سنی جمعیت یکی از پارامترهای مهم و قابل توجه برای بررسی ویژگی‌های جمعیتی یک آبخیز بوده و آینه تمام نمایی از وضعیت جمعیت و سمت و سو آن در آینده است. اگر ترکیب سنی جمعیت در گروه سنی زیر ۱۴ سال، درصد بالایی را نشان دهد، گویای این واقعیت است که حوضه در آینده نزدیک با سیل عظیمی از جمعیت جویای کار مواجه است که با توجه به مشکلات عدیده موجود و نبود زیر ساخت ها برای جذب این جمعیت که درصد بالایی از آنها از معضل بی سوادی نیز رنج می‌برند مشکلات را دو چندان خواهد نمود.



شکل ۴ نمودار ترکیب سنی جمعیت براساس آمار (۱۳۸۵)

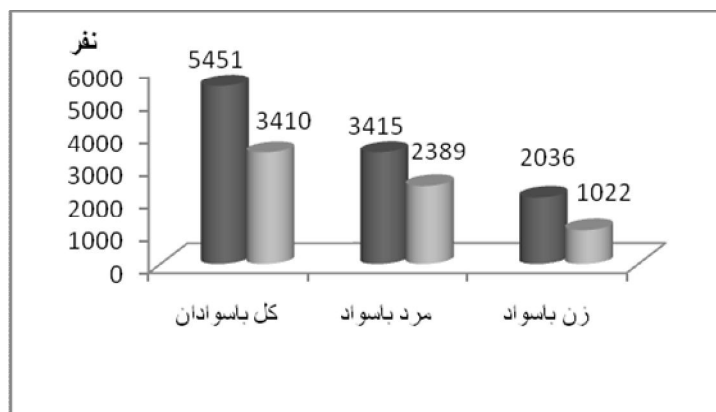


شکل ۳ نمودار ترکیب سنی جمعیت بر اساس آمار ۱۳۷۵

طبق شکل های ۳ و ۴، ترکیب سنی جمعیت در آمار سرشماری سال ۱۳۷۵، در رده سنی (۰-۱۴) سال ۴۴ درصد جمعیت، رده سنی (۱۵-۶۵) سال ۵۲ درصد جمعیت و در رده سنی بیش از ۶۵ سال ۴ درصد جمعیت را شامل بوده است. ترکیب سنی جمعیت طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵، در رده سنی (۰-۱۴) سال ۳۱/۳ درصد جمعیت، رده سنی (۱۵-۶۵) سال ۶۳ درصد جمعیت و در رده سنی بیش از ۶۵ سال ۶/۷ درصد جمعیت را شامل می شود. اصولاً جوانی یا سالخوردگی جمعیت مسائل و مشکلات مختلفی را از نقطه نظر برنامه ریزی های اجتماعی، اقتصادی و خصوصاً سرمایه گذاری به وجود می آورد. با در نظر گرفتن این که گروه سنی (۱۵-۶۴) ساله هر کشوری جمعیت فعال آن است و گروه های سنی زیر ۱۴ سال و بالای ۶۵ سال مصرف کننده اند، پس می توان نتیجه گرفت در منطقه مورد مطالعه ۳۷ درصد از ساکنان نقشی در ایجاد درآمد ندارد و تامین معاش آن ها برعهده گروه سنی فعال است. از طرف دیگر گروه سنی زیر ۱۴ سال با فاصله زمانی کمی در گروه سنی فعال قرار می گیرند و نیاز به تامین شغل، مسکن، ازدواج و ... دارند. براساس آمار سال ۱۳۸۵، ۳۱/۳ درصد در این گروه سنی قرار دارند، طبق معیار های پذیرفته شده (بخش اقتصادی سازمان ملل متحد) از لحاظ ترکیب سنی در رده جمعیت جوان قرار می گیرد و می طلبد با توجه به نیاز های این گروه سنی، برنامه ریزی دقیق و حساب شده ای برای ایجاد زیرساخت های لازم برای آموزش، اشتغال، مسکن و ازدواج و ایجاد آینده ای روشن قشر جوان اتخاذ شود.

میزان باسوادی:

طبق شکل ۵، جمعیت باسواد در سرشماری ۱۳۷۵ معادل ۳۵/۲ درصد بوده که از این تعداد مردان باسواد ۷۰/۴ درصد و زنان باسواد ۲۹/۶ درصد را تشکیل می دهد. در سرشماری ۱۳۸۵ کل باسوادان ۵۴/۹ درصد جمعیت می باشند که ۶۲/۵ درصد مرد و ۳۷/۴ درصد را زنان تشکیل می دهند. درصد باسوادان منطقه نسبت به جمعیت آن بسیار کم است و نزدیک به ۴۵ درصد جمعیت بهره ای از سواد ندارند. این ضعف بزرگی برای نظام آموزشی در این منطقه محسوب می شود. از طرف دیگر نابرابری در برخورداری از آموزش برای مردان و زنان یکی دیگر از مشکلات منطقه است که ریشه در معیار های فرهنگی دارد. درصد باسوادی در مردان نزدیک دو برابر درصد باسوادی زنان است. با توجه به وضع موجود از لحاظ سواد و نابرابری های آموزشی، نیاز به گسترش فضا های آموزشی و برنامه ریزی برای ایجاد عدالت آموزشی و امکان برابر از ضروریات است. بی شک ویژگی های محیط طبیعی منطقه مورد مطالعه یکی از دلایل عقب ماندگی و عدم برخورداری از سواد است و صعب العبور بودن منطقه و نبود زیرساخت های مناسب از جمله راه های دسترسی از دلایل دیگر این واقعیت اند. بی سوادی یا کم سوادی بلایی است که فقر را به صورت یک سیکل بسته دامنگیر منطقه می نماید. برای ایجاد توسعه و حل مشکلات موجود در حوزه آبخیز مهیاد بایستی در هر دو مورد یعنی ایجاد اشتغال برای جوانان و حل مشکل بی سوادی تواما اقدام نمود. البته این مشکل عموم حوزه های آبخیز است و حل این مشکل نیاز به عزم ملی و برنامه ریزی همگانی است.



شکل ۵ نمودار مقایسه آمار جمعیت باسواد براساس سرشماری سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

بررسی کاربری‌ها حاکی از این است که ۱۳ درصد از وسعت منطقه مورد مطالعه را اراضی کشاورزی تشکیل می‌دهد، این اراضی تحت کشت دیم بوده، فقط در مسیر آبراهه‌ها به صورت محدود اراضی آبی وجود دارد و در شرایط فعلی بصورت باغات مثمر از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود. اراضی مرتعی با درجات کیفیت متفاوت، ۸۷ درصد از وسعت باقیمانده را تشکیل می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن مراتع متوسط تا خوب است. پراکندگی جمعیت وابستگی زیادی به نوع کاربری دارد و اقتصاد دامداری به وجود مراتع سر سبز وابسته است که در بخش قابل ملاحظه‌ای از منطقه وجود دارد و پراکنش جمعیت را توجیه می‌کند.

پدیده مهاجرت و جابجایی جمعیت یکی از واقعیت‌های موجود و از مشکلات اساسی منطقه است و از روستا‌های منطقه به شهر مهاباد و شهرهای پیرامون اتفاق افتاده است. جابجایی جمعیت و خالی‌شدن روستاها از نیروی کار جوان مشکلاتی را برای روستاها و ساکنان منطقه به دنبال دارد، اما مشکل اصلی برای مکان‌هایی که مقصد این مهاجران می‌باشد شکل می‌گیرد. جابجایی قشر عظیمی از جمعیت و بویژه نیروی جوان که فاقد مهارت، تخصص و سرمایه‌اند، موجب رشد حاشیه‌نشینی، گسترش فقر و انواع ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرهای مقصد می‌شود. در رابطه با منطقه مورد مطالعه، نزدیک‌ترین کانون جذب این مهاجران، شهر مهاباد است. در شهر مهاباد طی دو دهه گذشته پدیده حاشیه‌نشینی در بخش جنوبی و شرقی به طور افسار گسیخته رشد نمود و بی‌شک تبعات منفی زیادی به دنبال دارد.

بحث و پیشنهادات:

توزیع جمعیت تابعی از عوامل طبیعی، اقتصادی و تراکم آن علاوه بر معیارهای فوق‌الذکر از عوامل اجتماعی، اداری و سیاسی متأثر است. البته در این منطقه، نامی‌های داخلی نیز دخیل بوده است. نتایج این بررسی نظرات محققین پیشین را تایید می‌نماید، (محمودی، ۱۳۵۵)، نقش عوامل طبیعی به ویژه اقلیم را در توزیع و پراکنش جمعیت مهم ارزیابی نموده و توجه به پتانسل‌های محیط طبیعی به عنوان مبنای تقسیم‌بندی اداری کشور در آینده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (نظری، ۱۳۶۴) توزیع و تراکم جمعیت اساسی‌ترین نکته در جغرافیایی هر سرزمین است توزیع جمعیت بیانگر این نکته است که انسان چگونه در محیط طبیعی پخش شده اقتصادش بر چه روال است و بنیان فرهنگیش چه است. (Hunt, ۱۹۹۳)، مهاجرت، تابعی از تفاوت بین میزان واقعی دستمزدها، اشتغال و یا بیکاری است. بر این مبنا مهاجران مناطقی را جستجو می‌کنند که دارای بازار کار مناسب یا میزان بالای دستمزدند. (Bollman, ۱۹۹۷)، میزان مهاجرت در مناطق روستایی، انعکاسی از نبود توازن فرصتها بین مناطق روستایی با سایر مناطق است. (مهاجرانی، ۱۳۸۷)، چگونگی توزیع مکانی جمعیت، یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت است. جمعیت ایران توزیعی نامتناسب و نامتعادل دارد که ناشی از عوامل متنوع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نسبت شهرنشینی به بیش از دو برابر رسیده است و تعداد شهرها نیز در این فاصله بیش از پنج برابر شده‌اند. آنچه برای توسعه پایدار آبخیز مورد مطالعه لازم است و بایستی لحاظ شود به قرار زیر است.

- شرط لازم برای توزیع و پراکنش مناسب جمعیت، برقراری عدالت در برخورداری از امکانات زندگی در همه مکان هایی که بالقوه برای زندگی مناسب اند و تا زمانیکه فرصت های مناسب اشتغال و رفاه فراهم نشود جابجایی های جمعیتی از مکان های کوچک به مکان بزرگتر یا از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ همیشه وجود دارد. در منطقه مورد مطالعه این عدم تناسب در توزیع امکانات و رفاه مورد نیاز زندگی امروزی به صورت متوازن پراکنش نیافته و یکی از دلایل جابجایی های جمعیتی و ایجاد حاشیه نشینی در شهر مهاباد همین مورد است.

- با توجه به اینکه ۱۳ درصد از وسعت منطقه مورد مطالعه را اراضی کشاورزی عمدتاً دیم و ۸۷ درصد از وسعت باقیمانده را اراضی مرتعی با درجات کیفیت متفاوت تشکیل می دهد لذا توجه به دامداری و صنایع تبدیلی مربوط به آن از ضروریات است.

- طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵، ۳۱/۳ درصد از جمعیت منطقه در رده سنی (۰-۱۴) قرار دارد. این جمعیت جوان بعد از چند سال نیاز به اشتغال دارد. برنامه ریزی برای ایجاد فرصت های شغلی جدید باید مبنای برنامه ریزی ها باشد.

مطابق آمارهای موجود تعداد زنان بی سواد بیش از ۶۷ درصد جامعه آماری را تشکیل می دهد و نابرابری در برخورداری از آموزش و یادگیری سواد برای مردان و زنان یکی دیگر از مشکلات منطقه است که ریشه در معیار های فرهنگی دارد، بایستی کار فرهنگی بیشتری در روستاها انجام تا همه فرزندان بویژه فرزندان دختر نیز از نعمت باسواد شدن برخوردار گردند.

- تحلیل نتایج تراکم نسبی جمعیت روستاهای منطقه مورد مطالعه نشان از تفاوت های بیش از ۴۰ برابری دارد و این به نوبه خود نشان از توزیع نامتعادل امکانات و عدم برخورداری از رفاه یکسان دارد. برای برخورداری از توزیع متعادل جمعیت در سطح آبخیز، بازنگری در توزیع امکانات از ضروریات است.

- توزیع متوازن جمعیت مانع از فشار بیش از حد بر منابع طبیعی گشته و کمک شایانی به توسعه پایدار حوزه آبخیز می نماید. این اتفاق فقط در صورت برخورداری یکسان از امکانات لازم برای زندگی بهتر بویژه آموزش، بهداشت و امکان تولید درآمد میسر است و در این خصوص بازنگری در برنامه های توسعه ی منطقه از ضروریات است.

منابع:

- ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۸)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشرنی جوان، جعفر، (۱۳۶۷)، جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن - مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- جوان، جعفر، (۱۳۸۰)، جغرافیای جمعیت ایران - مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۹۰)، اصول و مبانی ژئوپلتیک، انتشارات پژوهشکده امیر کبیر مهاجرانی، ا، ۱۳۸۷، ناهماهنگی در توزیع مکانی جمعیت ایران، فصلنامه ی جمعیت، شماره ی ۷۱-۷۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۴۳-۴۵
- مهدوی، مسعود، ۱۳۷۳، اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، انتشارات قومس
- یاسوری، م، (۱۳۸۹)، بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، آینده نگری، مشکلات و راهبردها، فصلنامه ی جمعیت، شماره ی ۷۲-۷۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۳-۲

Bolman, Ray. 1997. Rural employment: An international Perspective. London Publishing

Chuluun, T. and D. Ojima, 2002, Land use change and carbon cycle in arid and semi-arid land use East and central Asia, Science in China, (series C) 45:48-54.

Derham, 1999, soil erosion, <http://www.science.plym.ac.uk/departtmnt/Geography/ggy/384>